



کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده ادبیات
گروه عربی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی ادبیات عرب گرایش محض

عنوان پایان نامه

رویارویی فرهنگ شرق و غرب در ادبیات داستانی معاصر مصر

(مطالعه موردی: قنديل أم هاشم یحیی حقی)

استاد/استادان راهنما:

دکتر علی سلیمی

استاد مشاور :

دکتر فرامرز میرزایی

نگارش:

فاطمه عسکری

اسفند ۱۳۸۹

تقدیر و تشکر

از استاد محترم راهنما، جناب دکتر علی سلیمی که راهنمایی بنده را در انجام این رساله به عهده گرفتند و با بررسی و مطالعه آن، مطالب مهم را یادآوری کردند، و نظرهای لازم را با دلسوزی تمام و سعه صبرشان ایراد می فرمودند، بی نهایت سپاسگزارم.

همچنین از استاد مشاور، جناب دکتر فرامرز میرزائی که بزرگوارانه، نکات لازم را یادآوری نمودند و رساله دکترای خویش و کتاب‌های شخصی خود را در اختیار اینجانب قرار دادند، بسیار سپاسگزارم. در ادامه از مادر مهربان و فداکارم که علی رغم بیماری خاص، و نیازمندی به توجه و مراقبت ویژه، فرصت لازم جهت نوشتن این رساله را در اختیارم گذاشت و پیوسته مرا تشویق نمود، سپاسگزارم و همچنین از معلم و دوست همیشگی، سرکار خانم فریده پاکدل که در شرایط دشوار و پیچیدگی‌های راه، پیوسته مرا مساعدت و تشویق می نمود، سپاسگزارم.

در پایان از همه استادان و بزرگانی که در تمام مرحله‌های تحصیل اینجانب در رشته زبان و ادبیات عرب، به من بسیار آموختند و با نظرهای گویبارشان، پیوسته مرا تشویق می نمودند، تشکر می کنم و از خداوند متعال سلامتی و توفیق رسیدن به آرزوهای پاک این عزیزان را خواستارم.

تقدیم :

به ساحت مقدّس امام عصر، مهدی صاحب الزمان (عج)

چکیده

رویارویی بین دو فرهنگ شرق و غرب در ادبیات معاصر عرب، و به ویژه در رمان مصر، حضوری گسترده داشته است. پدیده استعمارگری غرب و تهاجم فکری و فرهنگی آن در ادبیات داستانی معاصر مصر و غرب زدگی بسیاری از ادیبان و نویسندگان مصری و... از جمله عوامل اساسی در پیدایش رویارویی بین دو فرهنگ محسوب می‌شوند. ادیب مصری، یحیی حقی در رمان «قندیل أم هاشم»، این تقابل بین دو فرهنگ را عمیقاً منعکس نموده است. او برای اصلاح آسیب‌های ویرانگر فرهنگی و اجتماعی، از جمله: جهل، تعصب، خرافه-پرستی و انعکاس این موارد، به ویژه در چگونگی ارتباط و برخورد با این تقابل فرهنگی، پیوسته به دنبال راه-حل می‌گردد و در نهایت، آینده‌ای روشن برای مصر به تصویر می‌کشد، و ضمن بیان دردها و دشواری‌های جامعه، درمان را نیز مطرح می‌کند و از شیوه‌هایی چون: وصف، رمز، خلق تیپ‌های مختلف در شخصیت‌های داستان، برای بیان رویارویی بین دو فرهنگ استفاده نموده است و این موضوع را در سه زمینه اصلی: دین، علم، جنسیت، بیان می‌کند. «قندیل» به معنای چراغ است و در این داستان، رمزی برای ایمان مردم ساده‌ی مصر است، به باور آنان روغن این چراغ چشم نابینا را شفا می‌بخشد. «فاطمه» رمز مصر است که حقی تلاش می‌کند، او را از تاریکی به سوی نور و روشنایی هدایت کند. حقی برای حل بحران میان دو فرهنگ شرق و غرب، در پیش گرفتن راه میانه‌ای را به خواننده القا می‌کند و بین آن دو جمع می‌زند. این تحقیق، به شکل موردی، رویارویی بین دو فرهنگ شرق و غرب در رمان مشهور «قندیل أم هاشم» یحیی حقی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

کلید واژه: داستان‌نویسی معاصر عرب، یحیی حقی، قندیل أم هاشم، فرهنگ شرق و غرب.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۴	فصل اول: کلیات تحقیق
۸	فصل دوم: رویارویی فرهنگ شرق و غرب در ادبیات داستانی معاصر مصر
۹	(۲-۱): ادبیات داستانی معاصر مصر
۱۶	(۲-۲): پیدایش رویارویی بین دو فرهنگ در ادبیات داستانی معاصر مصر
۱۸	(۲-۲-۱): پدیده استعمارگری غرب و تهاجم فکری و فرهنگی - ادبی آن در مصر
۲۰	(۲-۲-۲): غرب و ادیبان مصری
۲۳	(۲-۲-۳): تأثیر نهضت ترجمه داستان‌های غربی به زبان عربی
۲۶	(۲-۳): رویارویی بین دو فرهنگ در ادبیات داستانی معاصر مصر
۳۱	(۲-۴): زمینه‌های رویارویی بین دو فرهنگ در ادبیات داستانی معاصر مصر
۳۶	فصل سوم: معرفی شخصیت یحیی حقی، داستان نویس معاصر مصر و آثار وی
۳۷	(۳-۱): زندگی نامه یحیی حقی
۳۷	(۳-۱-۱): زندگی فردی
۳۹	(۳-۱-۲): زندگی اجتماعی_ ادبی
۴۳	(۳-۲): آثار و تألیفات
۴۴	(۳-۲-۱): نقد و یحیی حقی
۴۵	(۳-۲-۲): سینما و یحیی حقی
۴۷	(۳-۲-۳): قصه و مقالات ادبی یحیی حقی
۵۰	(۳-۲-۴): سبک نویسندگی یحیی حقی
۵۳	(۳-۳): جایگاه یحیی حقی در ادبیات داستانی معاصر مصر
۵۴	(۳-۳-۱): نوآوری های ادبی یحیی حقی
۵۷	(۳-۳-۲): نوآوری های فکری یحیی حقی

۶۲	(۳-۳-۳): تأثیر پذیری ادیبان و نویسندگان معاصر عرب از یحیی حقی
۶۶	(۳-۴): جایگاه قندیل أم هاشم
۷۰	فصل چهارم: تحلیل رویارویی بین فرهنگ شرق و غرب در «قندیل أم هاشم» یحیی حقی
۷۱	(۴-۱): خلاصه‌ای از داستان «قندیل أم هاشم»
۷۱	(۴-۲): عناصر داستان از منظر رویارویی بین دو فرهنگ شرق و غرب
۷۳	(۴-۲-۱): درون مایه
۸۲	(۴-۲-۲): پیرنگ
۹۲	(۴-۲-۳): شخصیت
۱۰۰	(۴-۲-۴): گفتگو
۱۰۸	(۴-۲-۵): حادثه
۱۱۲	(۴-۲-۶): زمان و مکان
۱۱۹	(۴-۲-۷) شیوه یحیی حقی در بیان رویارویی بین دو فرهنگ در قندیل أم هاشم
۱۲۲	(۴-۲-۷-۱): وصف در داستان
۱۲۶	(۴-۲-۷-۲): رمز
۱۲۹	(۴-۲-۷-۳): تیپ شناسی شخصیت‌ها در داستان
۱۳۰	(۴-۳): زمینه‌های رویارویی بین دو فرهنگ در «قندیل أم هاشم»
۱۳۴	خلاصه و نتیجه‌گیری
۱۳۹	منابع و مآخذ

پیشگفتار

در دنیای امروز عرب، پرداختن به موضوع فکری - ادبی جدید، یعنی موضوع: «رویارویی بین دو فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ و تمدن شرقی» و تأثیر و انعکاس آن در ادبیات معاصر عرب به ویژه در زمینه داستان-نویسی، از جایگاه و اهمیت بسزایی برخوردار بوده است و تاکنون یافتن پاسخی روشن به چگونگی برخورد با این موضوع، محل تردید و بررسی بسیاری از ادیبان و بزرگان داستان نویس معاصر عرب می باشد. لذا نگارنده، تلاش نموده است که به صورت موردی، یکی از رمان‌هایی را که توسط «یحیی حقی»، داستان‌نویس معاصر مصر که به شکل برجسته تر و با شهرت خاص، به این زمینه پرداخته است؛ مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

از طرف دیگر، از آنجا که تاکنون به شکل گسترده‌ای یا به صورت «پایان‌نامه»، آثار و شخصیت داستان-نویس برجسته معاصر مصر، «یحیی حقی» در مطالعات ادبی داخل کشور مورد توجه نبوده است، لذا در این تحقیق تلاش شده است تا به معرفی او و آثار ادبی وی، از جمله: رمان مشهورش، «قندیل ام هاشم» پردازد و به بررسی و تحلیل آن توجه نماید، زیرا «یحیی حقی» به عنوان نمونه یکی از روشنفکران داستان‌نویس مصر، راهکار میانه و راه حل مناسبی را برای پایان دادن به این بحران رویارویی بین دو فرهنگ در داستان «قندیل ام هاشم» به تصویر می کشد و در آن برای مطرح کردن این موضوع، از شیوه‌های نوین و خاص خود به کار برده است و از این نظر، این تحقیق و بررسی موضوع جدیدی محسوب می شود.

از جمله مهم ترین مشکل‌هایی که در این تحقیق و نیز در سایر تحقیقات ادبیات معاصر عرب به ویژه در زمینه ادبیات داستانی و ... وجود دارد، گستردگی دامنه‌ها و متفاوت بودن نظریه‌های مختلف برخی از ادیبان و ناقدان در تحلیل و نقد آنها است، زیرا از آنجا که شاخه‌های علوم انسانی به ویژه ادبیات و هنر، ضمن پایبندی به اصول متعارف علمی و ادبی خود، دارای جنبه‌های ذوقی و ادبی نیز هستند و به نسبت از سایر علوم تجربی و ... و شاخه‌های دیگر علوم نظری، از دامنه‌های گوناگونی در زمینه نظر و سلیقه ادبی - علمی بزرگان و ادیبان برخوردار می باشند و از همین روی، یک محقق در روند مطالعه و تحقیق خود، ممکن است که در بررسی و تحلیل موضوع واحدی به نظریه‌های متفاوت و گوناگونی برسد و بدین ترتیب پژوهشگر، مکلف گردد که به بررسی همگی آنها، پردازد و پرداختن به آنها نوعی تکلف در تحقیق به وجود آورد لذا در این تحقیق، تا حد امکان با ذکر یک یا چند مورد، از پرداختن به سایر نظریه‌ها صرف نظر کردیم.

به طور کلی، اگر «کلیات تحقیق» را نادیده بگیریم، در اصل تحقیق مذکور، دارای سه فصل اصلی است که در راستای موضوع تحقیق و اهمیت آن تدوین یافته است:

۱- فصل اول، درباره پیدایش و عامل اساسی به وجود آمدن موضوع «رویاری بین دو فرهنگ شرق و غرب» در ادبیات داستانی معاصر مصر است و نگارنده، در آن به انواع زمینه‌ها و پیدایش این موضوع و جایگاه آن، نزد سایر داستان‌نویسان معاصر مصر می‌پردازد.

۲- در فصل دوم، به عنوان پژوهشی موردی، یکی از این داستان‌نویسان معاصر مصر که به موضوع «رویاری بین دو فرهنگ و تمدن شرق و غرب» پرداخته است، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و درباره آشنایی با شخصیت و افکار این نویسنده و داستان‌نویس مشهور مصری، به نام: «یحیی حقی»، نظراتی ارائه می‌گردد. در حقیقت، نگارنده در این فصل، دو هدف عمده را دنبال کرده است: اول اینکه، به عنوان نمونه چگونگی افکار یک داستان‌نویس مصری را در پرداختن به موضوع مذکور در راستای این تحقیق، مورد مطالعه و بررسی قرار بدهد. دوم آنکه، به معرفی چنین شخصیت برجسته معاصر مصر و تحلیل آن بپردازد، البته تا آنجا که با موضوع مورد نظر در این تحقیق، در ارتباط باشد.

۳- فصل سوم، به تحلیل رمان حقی، از منظر موضوع «رویاری بین دو فرهنگ و تمدن شرق و غرب» و به بررسی آن می‌پردازد و تلاش شده است تا در حد توان، در این فصل در دو زمینه مضمون و نیز شکل و عناصر داستان، «قندیل ام هاشم» را مورد تحلیل و بررسی خود قرار بدهد.

نگارنده از این تحقیق، دو انگیزه اساسی داشته است: ۱- نخست آنکه، واقعیت بحران غرب‌زدگی در دنیای معاصر، مطلبی است که در هر عصر و زمانی، نباید از آن غافل شد؛ به ویژه آنکه بیگانگان و استعمارگران آنقدر زیرک باشند که از طریق فرهنگ و ادبیات ملت‌ها در آن‌ها نفوذ کنند و به شکل نامرئی، حصار استعمار غیرنظامی خود را بر آن‌ها بیفکنند. بنابراین از این منظر، چندان بعید نیست که بسیاری از داستان‌نویسان معاصر عرب، به ویژه مصری به اهمیت موضوع «رویاری فرهنگی بین دو تمدن شرق و غرب» و به زمینه‌های مختلف آن پی ببرند و در داستان‌های خود به چگونگی برخورد با این تقابل فرهنگی و پیرامون آن به ارائه نظریه‌های گوناگون و راهکارهای متفاوت از هم بپردازند. ۲- دوم اینکه، بازتاب توجه و پرداختن داستان‌نویسان معاصر مصری به موضوع مذکور در سطح گسترده‌ای قرار دارد و مطرح نمودن از این بحران روحی و فکری - ادبی اخیر در داستان‌نویسی نوین مصر، مربوط به یک یا چند داستان نمی‌شود؛ بلکه داستان‌نویسان گوناگون و بسیاری به این موضوع توجه و اهمیت نشان داده‌اند و از همین روی آثارشان، مورد مطالعه بسیاری از محققان و بزرگان قرار گرفته است و این مسئله تا آنجا اهمیت پیدا می‌کند که هنوز بررسی این موضوع، در ذهن بسیاری از این ادیبان و ناقدان معاصر، محل سؤال و تردید است! در حقیقت، ایشان به دنبال راهکاری پایانی برای حل این بحران روحی - فکری در ادبیات داستانی معاصر مصر بوده‌اند و به همین دلیل نگارنده، برای بررسی تلاش نموده است تا شخصیتی چون: «یحیی حقی» را انتخاب نماید که یکی از برجسته‌ترین داستان‌نویسان نوین مصری است و در سطح وسیعی به این موضوع پرداخته است و نیز

دارای دیدگاه نوین و راهکاری مناسب بوده و در این زمینه، صاحب نظر است و از همین روی بسیار مورد استقبال و توجه مردم و سایر محققان و ناقدان معاصر عرب نیز قرار گرفته است.

در پایان از استاد راهنمای خود، جناب دکتر علی سلیمی که نخستین گام‌های روش تحقیق مناسب را به من، با سعه صبرشان و ملاحظت همیشگی آموختند و در تشویق اینجانب و صبر در مطالعه دقیق و یادآوری نکته‌های لازم در این تحقیق، از هیچ کوششی فرو گذار نبوده‌اند، بی‌نهایت سپاسگزارم و نیز از استاد مشاورم، جناب دکتر فرامرز میرزائی که علی‌رغم سختی راه و بعد مسافت کرمانشاه تا همدان، قبول زحمت نمودند و نیز کتابخانه شخصی و به ویژه پایان نامه مرحله دکترای خود را به سال (۱۳۷۷ ه.ش)، در اختیار اینجانب قرار دادند، و نظرهای لازم را با دلسوزی تمام ایراد فرمودند، تشکر می‌کنم و سرانجام از دوست دیرین، مشفق همیشگی و مادر بیمارم که علی‌رغم رنج بیماری خاص خود و نیازمندی فراوان به مراقبت‌های ویژه، پیوسته مرا در این راه تحقیق و مطالعه دلگرمی می‌داد و تشویق به ادامه راه می‌نمود و با ایثار خود، فرصت‌های لازم را در اختیار مطالعه و تحقیق بنده گذاشت، صمیمانه قدردانی می‌کنم و از خداوند بزرگ، توفیق رسیدن این عزیزان به آرزوهای پاکشان و سلامتی آن‌ها را خواستارم.

کرمانشاه، فاطمه عسکری، زمستان ۱۳۸۹ ه.ش.

فصل اوّل

کلیّات تحقیق

تعریف مسئله:

در دوران معاصر، ادبیات داستانی جایگاه ارزنده ای دارد. سه جریان ادبی در این زمینه به وجود آمده است: گروه اول، می کوشیدند که با استفاده از میراث کهن ادبی، به ویژه مقامه نویسی، این هنر داستان نویسی را به وجود آورند و گروه دوم، تلاش می کردند که با تقلید و اقتباس از داستان نویسی غرب، این مهم را انجام بدهند. مسیحیان لبنان که به مصر کوچ کرده بودند، به دلیل احساس نزدیکی به غرب و فرهنگ غربی، نقش مهمی را در این گروه ایفا کردند و سیل عظیمی از داستان های غربی را به زبان عربی ترجمه کردند. در نهایت گروه سوم که دو گروه قبلی را درک کرده بودند، به وجود آمدند. نویسندگان این گروه از این که ادبیات داستانی - معاصر مصر دارای اصالت غربی و اروپایی شده بود، به شدت متأثر و اندوهگین بودند و می خواستند که بدون تقلید و اقتباس از ادبیات غرب و یا تقلید مطلق از ادبیات قدیم عرب، داستان نویسی نوین مصر را به وجود بیاورند. البته این گروه خود به دو مرحله «تکوین» و مرحله «تکامل» داستان نویسی معاصر مصر تقسیم می شود.

اما آنچه که یحیی حقی را از سایر ادیبان و نویسندگان معاصر مصر متمایز می کند، این است که وی در رمان «قنديل أم هاشم»، این تقابل بین دو فرهنگ را عمیقاً منعکس نموده است و به صورت رمز گونه، ریشه مشکل های برخورد بین دو فرهنگ را تحلیل و بررسی کرده و به دنبال راه حل میانه، و جمع همیشگی بین سنت و علم جدید را در پیش می گیرد و قهرمان وی، مراحل تکامل فکری خود را به سوی آگاهی و بیداری طی می کند. حقی برای کاهش و اصلاح آسیب های ویرانگر اجتماعی و فرهنگی، از جمله: تعصب، خرافه در دین و اعتقادات مردم آن زمان مصر و به ویژه در چگونگی برخورد با عظمت تمدن و فرهنگ غربی، به دنبال راه حل می گردد و در نهایت آینده ای روشن برای مصر و جوانان آن به تصویر می کشد و ویژگی منحصر به فرد حقی، در بیان این تقابل فرهنگی این است که ضمت بیان دردها و دشواری های جامعه، درمان نیز می آورد. او آینده ادبیات عرب را در جهان روشن می بیند و امیدوار به اصلاح برخی از مشکل های جامعه ادبی - فکری معاصر مصر می پردازد و معتقد است که در آینده نه چندان دور، میراث و پیشرفت ادبی از زبان فرانسوی به زبان عربی رخت بر می بندد و تکامل و پیشرفت علمی - ادبی را که از جهان غرب انتظار می رود، به جهان عرب باز می گردد.

بنابراین، ادبیات داستانی مصر به ویژه رمان، جایگاه ارزنده ای در ادبیات معاصر عرب دارد و موضوع - های ادبی - فرهنگی جدیدی تحت تأثیر سیر تحوّل تاریخی - ادبی در ادبیات داستانی معاصر مصر به وجود

آمده است که یکی از مهم‌ترین موضوع‌های مورد توجه نویسندگان و ادیبان مصری، موضوع «رویارویی بین فرهنگ شرق و غرب» است که با توجه به اهمیت موضوع به عنوان یکی از دغدغه‌های فکری - ادبی ادیبان و نویسندگان معاصر عرب به ویژه در مصرف نکته‌های اصلی تحقیق به صورت زیر ظهور می‌کند:

- ۱- عامل اساسی پیدایش به وجود آمدن این رویارویی در داستان چه بوده است؟
- ۲- مهم‌ترین زمینه‌های رویارویی دو فرهنگ شرق و غرب در داستان قنديل أم هاشم کدام است؟
- ۳- یحیی حقی برای پایان دادن به این رویارویی، چه راه حلی را در پیش گرفته است؟

پیشینه تحقیق:

درباره رمان «قنديل أم هاشم» و افکار حقی، کتاب‌ها مقاله‌های فراوانی به زبان عربی نگاشته شده است. از جمله: «تشریح مفکر مصری» (۲۰۰۵م)، نوشته شرق‌شناسی به نام «میریام کوک»: (ترجمه ی خیری دومه به زبان عربی) و کتاب «عشره أدباء يتحدثون» نوشته فؤاد دواره (۱۹۹۶م)، که در آن با «یحیی حقی» گفتگو شده است، و مقاله: «أيدولوجيا المصالحة في قنديل أم هاشم و موسم الهجرة الى الشمال»: نوشته عصام بهی (مجله الفصول، ۱۹۸۵م، ج ۵، ع ۴) و مقاله: «الرحيل الى الاعماق» نوشته أحمد ابراهيم الهواری، (مجله الفصول، ۱۹۸۲م، ج ۲، ع ۴)، و تعدادی مصاحبه و گفتگو در روزنامه‌های مصر و دیگر کشورهای عربی در این زمینه، انجام گرفته است. اما در زبان فارسی و در مجلات داخل کشور، درباره‌ی «یحیی حقی» بسیار کم کار شده است و می‌توان گفت: تقریباً ناشناخته مانده است. از جمله کارهای اندکی که به این موضوع پرداخته است: مقاله ای تحت عنوان: «الغزو الثقافي و الأدب الروائي في مصر» نوشته فرامرز میرزائی (مجله العلوم الانسانیة للجمهوریة الاسلامیة الایرانیة، سال ۵، عدد ۷، پاییز ۱۳۷۹) که در بخشی از آن به رمان «قنديل أم هاشم» حقی به اختصار اشاره شده است. در زبان فارسی و مجلات و پایان‌نامه‌های داخل کشور، در مورد «ادبیات داستانی معاصر عرب»، بسیار کم کار شده است و به تازگی مطرح است. از جمله کارهای اندکی که به این موضوع پرداخته است: پایان‌نامه‌ای در مرحله ی دکترا، تحت عنوان: «زبان و ادبیات خارجی و تأثیر منفی غرب در اسلوب‌ها و مضامین ادبیات داستانی مصر» نوشته فرامرز میرزائی؛ به راهنمایی فیروز حریرچی (۱۳۷۷هـ.ش)، دانشگاه تربیت مدرس تهران بوده است؛ که در آن به موضوع «تأثیر منفی ادبیات غرب در ادبیات عربی به ویژه در اسلوب و مضامین داستان نویسی مصر» اشاره شده است. اما تاکنون جایگاه فکری داستان نویسان مصری در برخورد با بحران موضوع «رویارویی بین فرهنگ شرق و غرب» در ادبیات داستانی، مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است و این بررسی، موضوع جدیدی به شمار می‌آید.

فرضیه های تحقیق:

- ۱- استعمارگری غرب، به ویژه در زمینه فرهنگی - ادبی در مصر، و غرب زدگی ادیبان مصری و نیز تأثیر نهضت ترجمه داستان‌های غربی به زبان عربی، و... از جمله مهم‌ترین عوامل اساسی پیدایش رویارویی بین دو فرهنگ شرق و غرب است.

۲- رویارویی بین فرهنگ شرق و غرب در داستان های ادیبان و نویسندگان مصری، بیش تر در زمینه های «علم» و «دین» و «جنسیت» و ... می باشد.

۳- یحیی حقی برای پایان دادن به این رویارویی، راه میانه ای را در پیش می گیرد.

اهداف پایان نامه:

در این پایان نامه تلاش شده است:

- ۱- موضوع «رویارویی بین فرهنگ شرق و غرب» را به شکل موردی در رمان «قندیل أم هاشم» یحیی حقی، به تصویر بکشد و به تحلیل و بررسی افکار نویسنده در برخورد با این رویارویی فرهنگی پردازد.
- ۲- شیوه های نویسنده برای به تصویر کشیدن این رویارویی فرهنگی بین شرق و غرب را استخراج نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

۱- پرداختن به موضوع فکری - ادبی جدید در دنیای امروز عرب: «رویارویی بین فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ و تمدن دینی و شرقی» و تأثیر و بازتاب این موضوع در ادبیات داستانی معاصر که امروزه، مورد سؤال و تردید بسیاری از بزرگان و استادان زبان و ادبیات عرب قرار گرفته است.

۳- اهمیت توجه و بررسی ادبیات داستانی معاصر مصر.

۴- پرداختن به جایگاه فکری_ ادبی داستان نویسان مصری، در برخورد با این تقابل فرهنگ بین شرق و غرب و به تصویر کشیدن تردید و تلاش آن ها برای یافتن پاسخی روشن به این موضوع از منظر ادبیات داستانی.

۵- به تصویر کشیدن چگونگی تحلیل یک رمان از جنبه مضمون و شکل در حوزه ادبیات داستانی.

فصل دوّم

رویارویی بین فرهنگ شرق و غرب در ادبیات

داستانی معاصر مصر

(۱-۲): ادبیات داستانی معاصر مصر

مورخان ادبیات عرب، حمله ناپلئون به مصر را در سال (۱۷۹۸م)، آغاز دوران تاریخ ادبیات معاصر عرب می‌دانند و آن را سرآغاز ارتباط مستقیم و شناخت مصر با تمدن و ادبیات غرب بر می‌شمارند. (الخطیب، ۱۹۸۱م: ۲۴-۳۰)

تلاش‌های نخستین در زمینه داستان‌نویسی، در قرن نوزدهم میلادی، با نوشتن خاطرات شخصی یا حوادث و رخدادهای زندگی (الترجمه الذاتیه) شروع گردید. بعضی از نویسندگان مصری به نوشتن خاطرات و وقایعی که در اثر آشنایی و برخورد با دنیای جدید غرب رخ داده بود، روی آوردند و از این طریق، تلاش کردند تا سایر ادیبان مصری و مردم را با دنیای جدید غرب آشنا سازند. (میرزائی، ۱۳۷۷ هـ.ش: ۲۳)

بنابراین داستان‌نویسی نوین غرب در قرن نوزدهم میلادی، در حالی بود که داستان‌نویسی نوین مصر، هنوز به وجود نیآمده بود و از طرف دیگر اشغال مصر توسط فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها، شیفتگی دولتمردان حاکم مصر به فرهنگ و تمدن غربی، نیاز شناخت مصر از غرب و ... باعث می‌شد تا دولتمردان مصری، هیئت‌های علمی و ادبی به کشورهای اروپایی و غرب اعزام کنند و بدین ترتیب با به ارمغان آوردن بسیاری از آثار ادبی غرب از طریق ترجمه از زبان‌های غربی به زبان عربی و نیز مشاهدات مکتوب ادیبان بازگشته از غرب به مصر، به نوعی بحران سرگردانی ادیبان مصری در میان گستردگی و پیشرفت علمی و ادبی غرب را به وجود آورده بود. تا آنجا که بسیاری از ادیبان و ناقدان درباره پیدایش ادبیات داستانی معاصر مصر به شکل نوین و امروزی، نظریه‌های گوناگونی و متفاوتی را مطرح کرده‌اند و هر کدام عقیده و باور خاصی نسبت به این بحران به وجود آمده، داشتند. به عنوان مثال به برخی از این نظریه‌ها اشاره می‌کنیم.

«عبدالله أبوهیف» درباره داستان‌نویسی معاصر عرب، چنین می‌گوید:

«کسی را متهم نمی‌کنیم اگر بگوییم که داستان در میان ما، همچنان در اولین مرحله‌های تحول خود قرار دارد و اگر از برخی داستان‌های پراکنده صرف نظر کنیم، داستان‌های حقیقی قابل اعتنا و تقدیری نمی‌یابیم.» (أبوهیف، ۱۹۹۰م: ۱۵۱)

«محمد یوسف نجم» در کتاب خود تحت عنوان: «القصة فی الأدب العربی الحدیث»، دیدگاه‌های خود را درباره ادبیات داستانی معاصر عرب به ویژه در زمینه رمان‌نویسی مطرح کرده است و درباره پیدایش داستان‌نویسی عرب به نوعی تشویش دارد. او معتقد است که داستان‌نویس عرب به مکتب‌های «مقامات»

بر می‌گردد که به شکل «مقاله داستانی» متحوّل شده است و بعد از آن، ظهور «داستان تاریخی» را دنباله ادبیات غرب، قلمداد می‌کند. به عقیده او، توسعه و پیدایش حقیقی داستان غربی در قرن نوزدهم میلادی رخ داده است و این مسئله بسیاری از داستان‌های عربی را تحت تأثیر خود قرار داده است. مثلاً هنگامی که به نقد یکی از داستان‌های اجتماعی «سلیم البستانی» می‌پردازد، چنین می‌گوید:

«ضعف داستان‌های اجتماعی «سلیم البستانی»، تن دادن و تسلیم کامل وی در برابر ارزش‌های رماتیک و هنری است که شاید به دلیل روح زمانه و ماهیت ادبیات رایج در غرب و شرق آن زمان بوده است اما این مسئله باعث شده است که ادبیات سرشار از این مبالغه‌ها گردد که امروز با رشد و توسعه ادب عربی و با تأثیرپذیری از تحولات هنری و فرهنگی معاصر و اختلاف سنت‌ها و ارزش‌های ادبی، دیگر به آن شیوه نمی‌نویسیم. در عین حال این ارزش‌ها ممکن است که ادبیات جذّاب و جالبی را پدید آورد، نظیر آنچه که نزد ادیبان بزرگ اروپا مانند: «هوگو» و «اسکات» رخ داده است.» (نجم، ۱۹۵۲م: ۷۷).

«یوسف الشارونی» نیز درباره داستان نویسی معاصر عرب و چگونگی تقسیم جریان‌های ادبی در آن، چنین می‌گوید:

«در چنین زمانی با دو جریان تأثیر پذیرفته از ادبیات غرب روبه رو هستیم: جریان اول، کسانی هستند که کوشیدند تا بین اشکال جدید غرب و شکل‌های ادبیات داستانی قدیم عرب جمع‌بزنند و جریان دوم، گروهی بودند که علم داستان نویسی را برپایه و مبنای داستان نویسی غرب آموخته بودند و بدون آنکه به ادبیات قدیم عرب بپردازند، صرفاً به تقلید و اقتباس از ادبیات روی آوردند.» (الشارونی، ۲۰۰۱م: ۷۱)

«یحیی حقی» ادیب و ناقد معاصر مصری در کتاب خود با عنوان: «فجر القصّه المصریه»، تأثیرپذیری ادبیات عرب از ادبیات بیگانه و علاقه‌مندی نویسندگان و ادیبان عربی را به زبان‌های خارجی به دو دسته تقسیم می‌کند: «گروه اول، کسانی هستند که به شدت به ادبیات فرانسوی و انگلیسی تمایل یافتند و به تقلید و بهره‌گیری از آن‌ها روی آوردند و گروه دوم نیز نویسندگانی هستند که متأثر از ادبیات بیگانه شرقی مانند: ادبیات روسی بودند و به تقلید و اقتباس از آن‌ها روی آوردند.» (همان: ۷۵).

بدین ترتیب، به دنبال پیوند مستقیم نویسندگان مصری با غرب و تأثیرپذیری نویسندگان معاصر عرب از آثار داستانی ترجمه شده از زبان‌های غربی به زبان عربی، منجر شد که بسیاری از ادیبان و ناقدان عرب زبان از اینکه داستان نویسی مصر، جایگاه درخوری در ادبیات معاصر عرب نداشت، متأثر و اندوهگین شوند و به همین دلیل، تصمیم گرفتند که این نقیصه را برطرف کنند. اینان مجله «السفور» را برای بیان نظرات خود انتخاب کردند و جلسه‌های پی در پی داستان نویسی، برقرار کردند و طولی نکشید که داستان مصری با شکل امروزی زاده شد. (یاغی، ۱۹۷۲م: ۶۰)

از آغاز پیدایش ادبیات معاصر عرب و آشنایی آن با ادبیات غرب تا مرحله تکوین و تکامل داستان نویسی نوین مصر، جریان‌های ادبی بسیاری توسط نویسندگان و ادیبان مصری رخ داده است که مهم‌ترین آن‌ها را به سه گروه عمده و اصلی تقسیم نموده‌اند. (میرزائی، ۱۳۷۷ ه. ش: ۳۱)

۱- گروه اول، نویسندگان بودند که تصمیم داشتند با استفاده از ذخیره‌های داستانی گذشته ادبیات عرب، هنر داستان نویسی را به وجود آورند و به همین دلیل به تقلید و اقتباس از ادبیات قدیم عرب پرداختند و شاید این گروه، بیش‌تر بیم آن داشتند که در برابر سیل عظیم پیشرفت ادبیات غرب و ترجمه آن‌ها به زبان عربی، گذشته و میراث ادبی عرب به فراموشی سپرده بشود. از جمله نویسندگان مشهور این جریان: «رفاعه طهطاوی»، «علی مبارک»، «احمد فارس شدیاق»، «احمد شوقی»، «حافظ ابراهیم»، «ابراهیم مویلحی»، «محمد لطفی جمعه» و ... می‌باشند.

اولین اثر داستانی این گروه در دوران جدید ادبیات مصر، «تخلیص الابریز فی تلخیص باریز» نوشته «رفاعه طهطاوی» است. وی جزء کسانی بود که با اولین گروه علمی رهسپار فرانسه شد و او را برای انجام فریضه‌های دینی و وعظ و اندرز دانشجویان انتخاب کرده بودند. اما «رفاعه»، با اصرار و سفارش استادش «شیخ حسن عطار»، حوادث و وقایع و خاطرات خود را در این سفر یادداشت کرد و آن را منتشر نمود. (الطهطاوی، ۱۹۷۴م: ۱۴۱)

وی رمان‌های غربی را چیزی شبیه به مقامات عربی می‌داند که خود بسیاری از آن‌ها را خوانده است و هدف خود را از نوشتن این کتاب مذکور، تشویق و برانگیختن همّت و اراده مصریان به توانایی‌هایشان بیان می‌کند. (همان: ۳۳۴-۲۶۷) این اثر مذکور از آن جهت که اولین ملاحظات یک فرد شرقی از غرب در دوران معاصر است، بسیار ارزشمند است.

«میرزائی» درباره عمده تلاش و اهمیت این گروه در تقلید از ادبیات قدیم عرب چنین می‌گوید:
«اغلب نویسندگان این گروه، تلاش می‌کردند تا از مقامه نویسی ادبیات قدیم عرب تقلید نمایند و از جمله آن‌ها: «علی مبارک» (۱۸۲۴-۱۸۹۳م)، در داستان «علم الدین» به سال (۱۸۸۲م)، است که وی از اسلوب مقامه نویسی قدیم عرب بسیار تأثیر پذیرفته است. اما مهم‌ترین اثر متأثر از اسلوب مقامه نویسی ادبیات قدیم، داستان «حدیث عیسی بن هشام» نوشته «ابراهیم مویلحی» است که از جنبه مفهوم و محتوا به داستان امروزی بسیار نزدیک است و به نوعی بازتاب رویارویی بین فرهنگ شرق و غرب در مضمون داستان دیده می‌شود. این داستان ابتدا در روزنامه «مصباح الشرق» به صورت سلسله وار چاپ می‌شد (۱۹۰۰م) و در سال (۱۹۲۷م) در ط ۴، فصل دیگری که سفر به فرانسه بود، به آن اضافه گردید. «مویلحی» راوی داستان خود را «عیسی بن هشام» نامیده است و این همان اسمی است که «بدیع الزمان همدانی» برای راوی مقامات خود انتخاب کرده بود. گویا مویلحی قصد زنده نمودن دوباره ادب مقامه نویسی متناسب با روزگار خود را داشته است.» (میرزائی، ۱۳۷۷ ه. ش: ۲۴)

داستان «عیسی بن هشام» حکایت‌های فردی است به نام «احمد پاشا» که یکی از یاران «محمدعلی پاشا» بوده و مانند اصحاب کهف سر از قبر بیرون می‌آورد تا شرایط زندگی مصریان را در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی مشاهده کند. موضوع داستان در حقیقت، مقایسه زندگی مصریان در نیمه اول قرن نوزدهم با نیمه دوم همان قرن است. قهرمان سربرآورده از قبر، با زندگی شگفت‌انگیزی مواجه می‌شود که مانند

زندگی اروپاییان است و از اینکه مصریان به تقلید کورکورانه زندگی اروپاییان پرداخته‌اند، انتقادات بسیاری می‌کند و از بحث‌ها و جدل‌های بیهوده و روشنفکرانه گریزان است. (الشاذلی، ۱۹۸۵م: ۷۸)

علت اینکه «مویلحی» چنین اسلوب و موضوعی را انتخاب کرده، ترس او به خاطر از دست رفتن میراث فرهنگی گذشته عرب بود، زیرا او خود را صاحب رسالت اصلاح و سامان دادن به دستگاه جدید می‌دانست و به همین دلیل در مورد بریدن از گذشته و فرو غلطیدن در دامن غرب هشدار داده بود. (عبدالدایم، ۱۹۷۴م: ۶۹)

البته لازم به ذکر است که اگرچه «مویلحی» از نظر برخی از ادیبان و ناقدان معاصر مصر از جمله: «أحمد هیکل»، به عنوان اولین صاحب رمان‌های اجتماعی در ادبیات معاصر عرب محسوب می‌شود. (أحمد هیکل، ۱۹۹۴م: ۱۸۸) اما از آن جا که در داستان او، حوادث خارق‌العاده زیادی آورده شده، و شخصیت‌های داستان او آن‌چنان که لازمه یک رمان است، ساخته و پرداخته نشده‌اند. به همین دلیل بیش‌تر ناقدان ادبیات عربی، آن را اولین داستان نویسی مصری به حساب نیآورده‌اند، هرچند که برخی از ویژگی‌های داستان را دارا بوده است. (گیپ، ۱۳۷۱هـ. ش: ۸۵)

بنابراین، نویسندگانی که در این گروه اول، به فعالیت‌های ادبی خود پرداختند؛ اطلاعات قابل توجهی را پیرامون ادبیات غرب داشتند. اما در نوشته‌هایشان کمتر از شیوه نویسندگی و اسلوب داستان غرب متأثر شدند، بلکه از بیم خود به محو شدن ادبیات قدیم عرب به تقلید از ادبیات و میراث کهن عربی، به ویژه مقامه نویسی پرداختند ولی موفق نشدند تا داستان نویسی نوین مصر را به وجود آورند.

۲- گروه دوم، نویسندگانی بودند که می‌خواستند با الهام و تقلید از ادبیات داستانی غرب، داستان نویسی نوین مصر را به وجود آورند ولی این گروه بدون آنکه موفق بشوند، چیز جدیدی را به وجود بیآورند، صرفاً به تقلید و اقتباس از ادبیات غرب پرداختند.

این گروه، در اواخر قرن نوزدهم میلادی در مصر فعال شد و عامل اساسی پیدایش این جریان، موج شدید ترجمه ادبیات داستانی غرب به زبان عربی بود و این جریان توجهی به آثار داستانی کهن عرب نداشت و به دنبال خلق ادبیات داستانی بود که هدف اصلی آن فقط سرگرمی باشد و علاوه بر ترجمه، عامل دیگری که در این جریان تأثیر بسیاری داشت، مهاجرت بسیاری از مسیحیان لبنانی و شام بود که به مصر آمدند و نقش مهمی در ادبیات داستانی معاصر عرب ایفا کردند. اینان در زمان «اسماعیل پاشا» (۱۹۶۳-۱۷۸۹م)، به مصر کوچ کرده بودند و نسبت به تمدن غربی علاقه داشتند و دوست می‌داشتند که غرب و تمدن آن را به مصر بیآورند و به همین دلیل، دست به سیل عظیمی از ترجمه داستان‌های رمانتیک و مهیج غربی به زبان عربی زدند. از آنجا که صرفاً از روی علاقه و سرگرمی به ترجمه می‌پرداختند، صداقت و وفاداری را کمتر رعایت می‌کردند و حتی در نوشتن داستان‌های خود نیز از همان اصول داستانی غرب، و همان موضوع‌ها غربی پیروی کردند. (آلن، ۱۹۸۶م: ۲۲)